



بقلم آقای سرور خان جويا

## در مطبوعات و نشریات ،

و اسباب ترقی آنها

(۲)

پس از اینکه موضوع مطبوعات و مطابع را بموجب تفصیحات معینه مقاله خویش به پایان رسانیدیم خوبست برویم سر قسمت نشریات ، این موضوع هم بوطن ما در خلال پنجاه شصت سال تمام یابست و بیست و دو سال اخیر يك میزان با اعتدالی را نیافته نمیکویم نشریات خوبی نداشته ایم و نمیتوانیم ادعا کنیم ماشرین ما راه حقیقت را نیافته اند ، خیر ! در مطبوعات و نشریات گذشته و حالیه ما اشخاص نیکی گذشته و اوراق خوبی گذاشته و میگذارند ولی ترقیات لازمه بمرور این زمان شامل عموم آنها نبوده بلکه مد و جزر و افراط و تفریطی درین عالم طبع و نشر دیده میشود که ما این تبدلات و اختلاف را چه بدوق و انجماد رو حیات ملی نسبت بدهم ویا از حوادثی بشمریم که بطور موقت اسباب تنزل و ترقی مملکتی شده اند . بهر تقدیر این نکته را بسیاری از وطن داران باسواد ما فهمیده باشند : روز نامه و جراید یا مجلات پانزده روزه و ماهانه را که ما بنام نشریات یاد می کنیم همین طور که بصورت ظاهر دارای قطع و حجم معینی هستند در عالم معنی هم تفاوتی دارند

که هر خواننده بمیل و مسلك خویش از مطالعه آنها طالب يك نوع استفاده می باشند مثلا یکی خبرهای یومیه داخله و خارجه بکار دارد دیگری واقعات مهمه دنیا میجوید کسی اطلاعات علمی می خواهد شخصی معلومات فنی و اختراعات تازه آن را میخواند بعضی باجتماعیات و اخلاقیات علاقه دارد و برخی به ادبیات و تاریخ دلچسپی ، و همین اصول و اساس ها باعث شده خواهد بود که تطور و امتیازاتی در نشرات ظاهر شده و بر علاوه روز نامه جات یومیه وجود جراید هفته کی و مجلات ماهانه هم لازم افتاده بلکه سالنامه ها هم بی نفع ثابت نمی شوند ، روح مطلب طرز افاده و اسلوب نگارش هر کدام آنهاست که يك دلچسپی و سهولتی محل استفاده طالبین واقع گردیده بتوانند ، دانایان ، ناشر ما هر همان کسی را دانسته اند که آثار منتشره خویش را بامسالک و عقایدی معینه و ترتیبات مطلوبه فرق مختلفه خوانندگان ادامه داده و ترقیات آنرا از جنبه رضائیت ایشان تامین کرده باشد .

در نشریات وطنی ما بدون بعضی جراید که پیشتر هم آنها را استثنا کرده ایم در بعضی های دیگر این تراکت ها کمتر مراعات شده مثلا يك جریده که تماماً میدان قلم فرسانی او از دو صفحه بیش نبوده در سر لوحه آنها بطور طولانی از قبیل : علمی ، اخلاقی ، اجتماعی و ... متجاوز از ۵ - ۶ مسالکی را نشانی داده اند ولی سر تا پای آن جریده را هر گاه از نظر بگذرانید بکنیم صفحه يك سر مقاله است و در سه خبری کوچکی در صورتی که مطالب منتشره نه بمسلك های جریده و زمان انتشار نسبتی دارد و نه بحیط منسوب و میل قارئین ربطی ، چنانچه در اطراف این سر مقاله هم در محل خودش تفصیلاتی خواهیم داد ، غرض ، امثال همین قضایا بمرور از اهمیت و دوام جراید ما کاسته قارئین ما را افسرده نویسندگان ما را خسته و مطابع را فرسوده ساخته است .

ترقی و تنزل مطبوعات و نشریات را بایستی همواره از ناصیه قارئین مشاهده کرده و همچنان قوه قلب نویسندگان را به استقامت در مشقات جریده نگاری نیز از اثر تمجید خوانندگان باید دانست ، زمانیکه قارئین مطالب دلچسپی در صفحات جریده نیافتند از مطالعه خسته شده



واظهار سردی می نمایند ، برودت قارئین اضافه بر آنکه منافی تشویق و تمجید است طبعاً از عده مشترکین میگذرد این تقلیل مشترك در حالیکه خودش برای سقوط جراید ملی کافیتس نگارنده های جراید رسمی را هم دل شکسته و از کار باز خواهد داشت در صورت عدم ذوق و شوق ناشر و نگارنده چطور می شود موسسه نشریاتی را دایر کرد ، تصور نشود تنها سرمایه های کافی علمی یا مالی ناشرین اسباب ترقی نشریات میکردند و واضحترین دلیل که درین موضوع بیاوریم ، اقدام یکنفر هموطن ما به ترقی یکی از جراید وطنی که پس از تنزل شدیدی که یک جریده ٦ - ٧ ساله را در ولایت هرات نصیب شده بوده او میخواست بهمان اسم و رسم نشریات را در آن سرزمین اشاعه داده باشد در عین حالیکه طبعاً مایل و شایق بود بدوره نگارندگی او جریده مترقی تر شده و بهتر مورد استفاده اهالی آنجا واقع گردد ولی دید معزریات جریده بسکلی سقوط کرده و یک جریده نامور ٦ - ٧ ساله بیشتر از شصت نفر مشترك ندارد و معلوم هم نبود که آیا آن افراد از خوانندگان حقیقی هستند و یا مدت اشتراك آنها با تمام نریده ، مقصد آنچه از علت سقوط آن موسسه مفهیم شد غیر از نواقص استعداد های مالی و علمی ناشر سابق آن بوده و فقط علت العلل عدم ذوق جریده نگاری و فقدان رضا نیت و دلچسپی قارئین و مشترکین آن جریده ظاهر گشت و در ظرف مدت شش ماه مدت مشغولیت وی با پیش آمد حوادث ناگوار انقلاب داخلی که مانع بسی پیشرفت ها بود بتقریب پنج شصت و اخیراً در همان ناحیه کوچک عده مشترکین آن جریده از هزار و پنجاه نفر هم تجاوز کرد بلی تنها چیزی که علاوه بر ذوق خود او و تمجید خوانندگان برایش قوه قلب داده و یاری میکرد تشویقات زمامدار کل مملکتی بوده و بس .

الحاصل بعضی مطالبی که از گذشته ها درین زمینه اثر مطالعات و مشاهدات بوده یا فعلاً احساساتی به نسبت ترقیات نشریات وطنی بخاطر خطوری کند شاید بی فایده نباشد آنها را بصورت مواد جداگانه در قید قلم آوریم :

اول - چنانچه در بالا ذکر نمودیم پس از اینکه مطابق خود ما را یک اصول عصری مرتب کرده و از نظافت های طباعت فراغت یافته ، توانستیم مطبوعات و نشریات را با سلیقه های

خوب و زینت ها یا صفاتی مرغوبی دایر ساختیم ، شرط اول داشتن ذوق و عاطفه بل عشق است برای شخص مدیر و نگارنده یا مامور نشریات ، هر کسی باشد غرض ما از دارنده این عشق و عاطفه همان فردیست که از سرلوحه رسایل بحیث مسئول شناخته میشود چرا که بعضی جراید رسمی است و برخی ملی و باز جراید ملی در اغلب جاها که آزادی داشته و عمال آن را قدر و اهمیتی نصیب باشد بسیاری افراد فاضل و متمول و طرفدار مطبوعات هستند که خودش مشغولیت دیگری داشته و امتیاز نشر جریده را از دولت متبوع خود گرفته بدون آنکه سطری از خود نگاشته و یا روزی هنگام طبع و نشر آن حاضر شده باشند از جیب خود مصارف آنرا پرداخته و نگارنده گئی آن را بشخص دیگری محول ساخته اند این نگارنده ها هم چون جریده به آثار خودشان دایر بوده و هم اسمای شان پہلوی اسم صاحب امتیاز و یا در اخیر مقالات شان ثبت میشود عیناً بهمان صفات باید متصف باشند و این عشق و عاطفه هم در نهاد اینچنین اشخاص بحدی مفرط و سرشار باید بود که تماماً آمال زندگی و هستی موجوده و موقعیت آئینده خودشان را بر سر این عمل گذاشته و مربوط بآن دانند یقین داشته باشند که به هر پایه آثارشان در مملکت موثر و مثمر بشود شخصیت آنها نیز در جامعه محبوب میگردد و بر عکس اگر نشریات او سقوط کرد معنویات شخصی او هم در جامعه تنزل کرده و اسم و رسمش از نظرها محو خواهد گردید گویا درین عالم امید و آریهای حیات و بیم محویت و ممات هم تنها تسلی دهنده و یاری کننده آنها همان عشق و عاطفه سرشار خواهد بود و بس .

دوم - برای نشریات از هر قبیل که باشد بمناسبات اهلیت و کنجایش همان اوراق منتشره و یا مفکوره ناشرین لازم است مسالکی معین نمود که نگارنده ها در تمام مواقع آن را نصب الاین خود داشته و با مراعات توافق با اسم و رسم جریده اعمال خودشان را ادامه داده باشند خواه بطور معمول اداره کنند ، مسالک جراید را در پیشانی جراید و مجلات ظاهر آ مرقوم دارند یا پیش خود مکتوم نمایند این موضوع شئوناتی برای مؤسسات قائم کرده هم سهولتی برای طرفین فراهم می آورد نه افکار کارکنان نشریات را متشتت می سازد و نه مشترکین را پیش از اشتراك مشتبه و مردد و بعد اشتراك دو چارندامت خواهد ساخت .



سوم - سبک تحریر عمده ترین رمز ترقی مطبوعات و نشریات شناخته شده و این مسئله  
 اهم ترین وظیفه چیز نویسان است که مطالب منتشره را حتی الامکان بایستی بعبارات ساده و موزونی  
 در قید نگارش بیاورند و لو بکسانیکه عهده دار نشره علمی و فنی هستند بسیار گران تمام خواهد  
 شد مقالات خود شان را برای استفاده عوام تهیه نمایند اما چرن هر طالب دانش و پیش میل  
 دارد زودتر و آسان تر بمقصد برسد و بالخاصه در محیط ما که بملحوظاتی عامه مستحق تر از خواص  
 گفته می شوند دور از مرام وطن پرستی نخواهد بود اگر محررین این زحمات را بفتح جامعه  
 تا درجه امکان بخود شان گوارا ساخته باشند .

چهارم - ترتیب مقالات مندرجه جراید نیز در ترقی نشریات مدخلیت تامه دارد و این  
 مسئله بشخص مدیر تعلق میگیرد خواه نگارنده خودش باشد و یا دیگری در ترتیب مقالات  
 و اخبار موجوده و وارده و غیره مضامین چه علمی و فنی باشد و چه اخبار داخله و خارجه ،  
 از اداره تهیه شده باشد و یا مقتضیات و تراجم ، هنگام اندراج و تخصیص آنها بصفحات  
 و ستونهای مجلات و جراید ، اهمیت صفحات و موقعیت رسایل را هر کدام جدا گانه بناسبات  
 مسا لک بایستی دایماً مواظبت نمایند تا دور از سلیقه و بدون استحقاق هیچیک مضمونی مقدم  
 و موخر ترتیب و حاضر طبع نشود چرا همان قسمیکه مضمونها در پستی و بلندی معنی  
 تفاهاتی دارند صفحات هم نزد قارئین دارای مقام و اهمیت متفاوتی است و یکی از ادله  
 این تفاهات و تفاوتها از اتخاذ قیمت های متعین لواحج جراید و مجلات خوبتر و واضح میشود . مثلاً  
 ناشر ، هر گاه يك جریده ۴ صفحه داشته باشد و از اندراج اعلانی در صفحه ۴ سطر  
 یکقران بخواد از صفحه اول سطر دو روپه خواهد گرفت همچنان صفحات ۲ و ۳  
 درجات پائین تر از صفحه اول و بلند تر از صفحه ۴ دارند ، برای آنکه صحایف مقدم زودتر  
 نظر خواننده را جلب مینمایند مطالب مهمتر هم بایستی در صحایف اول ترجا بگیرد چه نام سرمقاله  
 باشد و یا مقالات عالی و اخبار مهمه متاسفانه پیش نامه نگاران ما این سرمقاله طور دیگر تجسم  
 کرده و يك مفهوم و معنای دیگری یافته که بسیار لازم می افتد در اطراف آن چند سطر  
 نگاشته باشیم بعضی از ار باب جراید ما از قدیم تا کنون بسیار يك امر ضروری دانسته

اند که اگر جریده هفته وار باشد و یا هفته دوبار حتی روزنامه بطور حتم باید يك سرمقاله بلند بالائی در اول آن ها تهیه به بینند بی خیال آنکه موضوع سرمقاله بیک علمی تعلق گرفته و یا بمسلك آن نسبت و در جامعه تأثیری داشته باشد ، اغلب این سرمقاله ها باصطلاح نویسندگان ظریف ما آسمان و ریسمانی ریخته و بافته بیک مقدمه طولانی اول آن يك ملت را باآسانی باوج عزت صعود داده و به حضيض ذات نزول میدهند و برای آن بالا رفتن و این پائین آمدن از دماغ خود دلایلی عجیب و غریبی اقامه کرده و اخیراً بمدحی گریز زده اختتامش میدهند ، نویسنده بخيال خود مغرور که بزرگترین و ظیفه نامه نگاری را ایفا کرده و منتظر است هر کسی به اداره و بین راه باو تصادف کند تشکر کفه و تقدیری کند ولی نخواهد دانست علاوه آنکه از مردم پولی گرفته و وقتی ضایع ساخته نشریات را هم بطور سوی استعمال کرده که قارئین را گذشته از استفاده ، از مطالعه نیز رم داده و بی دماغ گردانیده است ( به نگارنده های معاصر ما بر نخورد که نویسنده این سطور خودش را ازین زمره استثنا کرده و بگفتن عیب دیگران لب جرئت می کشاید خیر ، بنده هم بکوفتی درین عمل کم رفتاریهای پر از توقعات بسی اوقات شمولیتی ورزیده ام بهر حال ) برای اینگونه جراید روزنامه جانی که زود زود در معرض انتشار گذاشته میشوند و نقطه نظر آنها خدمت بوسعت اطلاعات و تنویر جامعه منسوبه است اگر موضوعات مهمه اجتماعی و پیشنهادات لازمه همان محیط را نتوانند بصورت يك سرمقاله کوچکی در آورند فقط مهمترین اخبار داخله و خارجه هم سرمقاله شده میتوانند اما در این نوع جراید و روزنامه جات سرمقاله ها فرضاً طرالی باشد ، و نباید تمام يك صفحه را اشغال کرده و یا از صفحه اول اوز کرده بدوم و سوم برسند ناشرین ما اینچنین مقالات را هر گاه دو و دو نیم ستون زیاده شود آن را در صفحات دیگر بطبع برسانند و یا بکلی يك حصه آن را در يك جریده گرفته و بقیه را باقی دارد و نا تمام گفته در شماره های آتی منتشر نماید بهتر خواهد بود .

پنجم - تنوع مضامین و کثرت عناوین در نشریات بسیار جالب توجه قارئین است اما اگر مضامین متنوعه در اطراف یکی دو موضوعی باشد که از مسالك مجلات و جراید بحساب آید ممکن است بیشتر توجه قارئین را بطرف خود جلب کرده در طرز افاده دلچسپ تر و در



نتیجه مفید تر ثابت شوند .  
 فرض کنید ملک يك مجله بجمعه ( اقتصادی ) معرفی شده و سلیقه ناشر در هر شماره آن یکرشته مطالب علمی و فنی ، مقالات سیاسی و اجتماعی یا اخبار داخلی و خارجی که بعالم اقتصاد ارتباط دارند در زیر عناوین متعدده و گوناگونی جمع کرده و منتشر میدارند چون این همه مضامین از هر زبان و قلمی تنقید یا تأیید کننده همان يك مدعاست ولی به تغییر لحن و آهنگ ، لذا طالبین مقاصد اقتصاد نه تنها در خود ها يك ذوق و رغبت مطالعه احساس کرده و با حالت خسته کسی ناپذیری همه آنها را مرور میکنند بلکه استفاده شان مکمل تر شده و در يك فنی متخصص میگردند این طرز افاده نویسنده و استفاده خواننده بیشتر شبیه است بمریض ضعیف البینه و بی اشتهائی که در تحت معالجه حکیم حاذق است و بایستی از غذای استفاده کند ، تنوع غذا یقین وسیله رغبت بمریض سقوط اشتهاست مگر چه بسا اغذیه مخالفتی هم است که تناول آن برفع مریض تمام نمی شود ولی اگر از آن یکی دو موادی که جزو پروگرام حکیم است به تغییر رنگ و ذایقه تهیه شود هم بابت میلان مسلوب الاشتهای غذاست و هم از آن تمایل بدون تصور خطرانی امید صحت پیدا خواهد شد .

غرض همان آثاری که در خواننده تمایل و اشتها می طلعه ایجاد کرد او را بالضرورت نزدیک بمنفعت ساخته و هم نویسنده را در ترقی نشریات قرین موفقیت خواهد گردانید .

ششم — تقریظ و انتقاد از مطالبی هستند که نشریات را بسی قابل اعتنا ساخته در تمایل جامعه بوسعت مطالعات و ادامه آن می افزاید ، نویسنده گان بیداری که علقه و احساسات وطن دوستی و ملت پروری خود شان را ازین راه بروز میدهند نه فقط نشریات خود شان را زنده نگه داشته و پر جوش و خروش میسازند بلکه در جامعه هم يك بیم و امیدی از انتشار این تقریظ و انتقاد تولید مینمایند ، اما درین عمل مهارت ناشرین و انصاف نویسندگان مربوطیت تامه دارد که باید مقاصد عباراتی ادا شوند تا از دایره نزاکت های ادبی خارج نشده و باغراض شخصی و نفسی تعلق نگیرد ، هم شرافت قلمی حفظ شود و هم مؤسسات هوچار سگه و توقیف نگردند .

کارهای نیک و کارکنان خوب را در یک جامعه از نقطه نظر اعتبار حقیقی آن تقدیر و ستایش کنند شک نیست بزرگترین وسیله بهبودی امور و تشویق یا امیدواریهای ما مورین آن در آینده واقع می شود و همچنان اعمال نکوهیده و عمل زشت را هرگاه بانی آلاشی تقبیح و نکوهش نمایند البته برای مرتکبین و سایرین اسباب عبرتی شده موجب تهدید و تهذیب افراد و انسداد طراوش اعمال ناهنجار آینده خواهد کردید.

در عین حال این بیم و آن امید اشخاص ذی مدخل و حساسین تماشا بین را برای همیشه از دور و نزدیک بی اختیارانه بمطالعه دعوت می نماید.

هفتم - در طرز اقتباس از نشرات خارجی چند چیز را باید همیشه مقتبس داخلی مراعات کرده باشد مطالب مفید و مناسب جامعه، اخبار مهمه با تسلسل وقایع، اختصار مضمون بارعایت فهم خواننده گان یا تشریحات لازمه همراه آن.

مثلا با استثنای موضوعات علمی و فنی که اقتباس و ترجمه آن ها سراسر نافع اند بعضی مقالات سیاسی و اجتماعی در جراید خارجه دیده می شود که بنفع همان محیط نوشته شده و بهمان جامعه منسوب آن تطبیقاتی دارد و عیناً اقتباس آنها بدون آنکه برای جراید ما مضمون تهیه کند در معنی مفید ثابت نمی شوند و یا همین طور اخباری است که مشعر

وقایع جزوی داخلی آن محیط و برای همان حکومت و مملکت مهم است و نزد ما هیچ اهمیتی ندارد چه لازم که با اقتباس آن پردازیم وقتی بیاد دارم که در یکی از جراید مهم داخلی ما بعضی عزل و نصب و تبدلات و تغییرات جزوی کوچکترین دوایریک حکومت خارج افغانستان خوانده می شد در صورتیکه از اندراج آن خیرها مقصد مقتبس بدون اشغال

ستون های جریده و پیرایه عنوان اخبار خارجه چیز دیگری فهمیده نمی شد.

بلی برخی اطلاعات سیاسی از قبیل تغییرات کابینه ها و تبدلات قانونی یا مشی سیاسی حکومت های مشهور، معاهدات دولتی، تشکیلات کائفرانس ها، مسافرتها مهم و غیره واقعاتی که تمام دنیا بشنیدن اطلاعات آن اهمیت داده و درانظار سیاست مندان داخلی هم دلچسپی دارد اگر اقتباس شود بسیار نافع است ولی درین موضوعات بعقیده ما



دورویه اختیار گردد بهتر است : اولاً هرگاه برای نگارنده کان قدرت قلمی و یا فرصت شان مقتضی باشد این اطلاعات را خود مطالعه کرده و پس از آن بطور يك اجمال سیامی خلص و سوابق تاریخی آن موضوع را با نظریات و پیش بینی های خویش آمیخته در معرض مطالعه قارئین گذارند ، بعد اگر نظیر این وقایع خبرهای بجزم و بی سروته هم انتشار یابد ادراك آن برای خواننده آسان است و الا صورت اولی امکان نداشته باشد سعی شود که عین خبرها پراکنده منتشر نگردیده و تماماً این گونه اطلاعات يك رشته تسلسل نشر شود .

گاه وقت می شود اطلاعات موجوده که بدست رس يك ناشر است نواقصی دارد مثلاً اطلاع چند روز بعد يك کانفرانس از يك جریده مقتبس گردیده و ماقبل آن موجود نیست جهد ورزند که پیشتر از نشر سابقه آن راتیه و تکمیل کنند گیرم چرا بد گذشته آن سلسله بدست نیامد از محل دیگری با تعین ماخذ اختصاری نمایند و اگر آنهم نشود از مطالعات خرد آنچه در محفظه دماغ داشته باشند چند سطر مختصری در اول یا آخر آن بنویسند گویا بزرگترین تسهیلاتی برای خواننده فراهم کرده و هم در اهمیت نشریات خویش افزوده خواهد بود .

هشتم - تصحیح الفضاظ و عبارات عموم در مطبوعات و رسایل موقوته اگر چه بظاهر از جزویات امور بحساب آمده و این ضرب المثل بسیار عمومیت دارد ؛ عاقلان بی نقطه نروند ، اما در عین حال این عمل را میثابت بنظر اهمیتش دید چرا بسیار اتفاق افتاده که هنگام طبع جزوی اشتباهات لفظی که ناشی از عدم دقت ناشر و یا غفلت مصحح بوده تغیر فاحشی در معنی داده و از اهمیت مهمترین مقالاتی کاسته است چه رسد بآن که تقدم و تاخر یا سهو و اشتباهی واقع شود ، درست است که علما خطوط بی نقطه و اعراب حتی کلمات و جملات غلط را از روی استعداد علمی خود صحیح میخوانند ولی ما بایستی فکر کنیم که اول هر مشترك وقاری ما عالم نیست و باز اگر عالم باشند برای آنکه در نظر دیگران اظهار فضیلتی کرده باشند ممکن نیست از استهزاء خود داری کنند پس برای سهولت خوانندگان کم علم و حفظ شئونات مؤسسه ها لازم است در تصحیح نهایت مواظبت بجسأ آورده شود بلکه يك اصل مهم در تصحیح که از مسایل علمی است و هم بتجربه رسیده اینست که مصحح باید غیر از شخص

نگارنده باشد چرا که صاحب اثر هنگام تصحیح بعلمی که از آن نسخه در ذهن خویش خاطره‌هایی موجود دارد بالفاظ زیاد دقیق نمی‌شود لذا زود گذشته و نمی‌تواند مانند شخص ثانی که به نگارش او نسبتاً ناآشناست هر جانی توقف کرده با نگاه خورده‌گیری دیده و بالآخره تصحیح کند.

نهم - توزیع رسایل موقته هم بنوبه خود دارای اهمیتی است مخصوص نزد افرادی که بمطالعه اخبار مانوس و علاقه‌منداند، مانند عادت بعضی عمل‌هایی که انسانها بدو آفرینی برای تهیج‌ات خویش بکار می‌برند و بالآخره بآن خو گرفته و از ترك موقت آن منجز می‌گردند، بمقتا دین مطالعه هم تعطیل روز و هفته مجلات و جراید از میعاد معینه بمثابه ماه و سالی شدت انتظار دارد با نتایج وخیم تری مثلا نرسیدن بعضی عمل‌ها از قبیل سگرت و نصوار و غیره اگر انتظار سنگین و درد سر شدیدی دارد ممکن است بترك عادت منجر شده و در نتیجه برای سلامت مزاج اشخاص مضر ثمری باشد لیکن ترك مطالعه بالآخره موجب انجاماد روح خواننده‌ها شده و به کسادی بازار نشریات بل سقوط دستگاہ علم و معارف خاتمه می‌یابد.

فلهذا ناشرین ما راست همان طوری که در طبع و نشر و ترتیبات رسایل میکوشند تا بنظم و نظافتی انجام وظیفه نمایند این اصل را هم باید از فروع نشمرده اوقات نشر و توزیع را بمعادلی که در اول تاسیس معین میکنند مواظبت نمایند تا غفلت و عطلاتی واقع نگردد.

